

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

سه شنبه ۰۲ نوامبر، ۲۰۲۱

ملالی موسی نظام

حیات رقتبار زن و دختر افغان، دیروز و امروز

امید است خانه های امن برای زن بی پناه افغان مسدود نگردد



شرایط حیات اجتماعی و مخصوصاً زندگی زنان و دختران افغانستان را جنگ های طولانی و تغییرات محیطی از مسیر عادی و عنعنوی کاملاً تغییر داد که متأسفانه و بصورت عموم زمینه مشکلات و نا همواری های زیادی را نصیب طبقه اناث مملکت نموده است.

هر دوره این جنگ ها از همان آغاز کودتای منحوس ثور و اشغال افغانستان عزیز به کمک و پادرمیانی حزب خیانت پیشه غیر دیمکراتیک خلق ذریعه اتحاد شوروی سابق، تا عصر خونین تنظیم های متجاوز تنظیمی و بعد تر طالبان عقبگرا و حتی ۲۰ سال اشغال قوای امریکا و ناتو، اوضاع و حیات زن مظلوم افغان در هر گوشه ای به وخامت گروید.

در عصر اشغال و بمباردمان های مهلک و تلفات مجاهدین واقعی با جنگ با قوای شوروی، بیشترین زنان تنها مانده و با اطفال به خواری و بیسرنوشتی مبتلا شدند و اکثراً با مشکلات راهی کمپ های

پناه گزینان ممالک همسایه گردیدند. این گروه که در مجموع بیشتر از هفت ملیون را در بر میگرفت، بعد از بیشتر از چهار دهه، هنوز قسماً آواره و بی سرنوشتنند.

در عصر دهشت آفرین جنگ های داخلی و اقتدار مسعود - ربانی آنچه بر سر زنان افغان متعلق به هر گروه آمد روی صفحات تاریخ سیاه و خونین گردید و حرمت و ترحمی برای زن افغان باقی نماند. حادثه جانخراش و غیر انسانی «**قتل عام افشار**» در همین عصر با سفاکی «**احمد شاه مسعود**» و گروه آدم کشان وی در حق ملت مظلوم افغانستان و یکی از اقوام شریف آن به وقوع پیوست. بعد از فرار دولتمندان عصر ربانی، طالبان به نوبه خود و با عبرت از دوره قبلی، زنان و دختران افغان از داکتر تا معلم و از مادر تا همسر و شاگردان اناث را در خانه هایشان به خواری و زاری حبس نمودند.

با آزادی نسبی زنان و دختران افغان در ۲۰ سال اخیر و آگاهی به حقوق و قوانین مطروحه، اوضاع اجتماعی در شهر ها رنگ بهتری گردید، ولی علی الرغم اوراق قانون اساسی، نه دختر فروشی تغییر نمود و نه مظالم و شکنجه فامیل ها بر زنان بینوا که مؤسسات خیریه بین مللی راپور پشت راپور از ازدیاد خشونت ها و مشکلات قشر سیاه روز اجتماع افغانی به نشر میرسانیدند. درین عصر هم نه بازخواستی در مراکز ولایات و اطراف کشور صورت گرفت و نه مجازاتی. درین عصر با خشونت ها قشر جدیدی از زنان جوان بمیان آمدند که با فرار از مظالم شوهر و فامیل و آنانی که در محابس به انتظار محکمه ای که هر گز صورت نمی گرفت، با فرزندان خردسال بسر میبردند، روزگار سیاه و با بیسرنوشتی آمیخته به نومیدی را تجربه می نمودند. به تدریج برای نجات این سیه روزان قربانی اجتماع منحرف، تشکیلاتی به نام «**خانه های امن**» در بعضی از شهر ها به وجود آمد که زنان سرگردان را که حتی فامیل های شان پناه نمیداند، جذب می نمودند.

اتفاقاً موجودیت خانه های امن قدم مثبتی برای یک حل نسبی این قشر مظلوم شمرده میشد که به کمک مؤسسات خیریه و اعانه هموعان با تنظیم شرایط و حمایت زنان و حتی امکانات تعلیم و تحصیل، آینده ای برای زنان فراهم میگردد و شرایط کار هم میسر میشد.

اخیراً با اشغال کابل توسط طالبان و تغییرات بنیادی که بیشترین آن خشکسالی، قحطی مفرط مواد غذایی و تهدید به گرسنگی در سر تا سر کشور، رکود فعالیت بانک ها و در مجموع سقوط اقتصاد و امور مالی باشد، وضع اسفناکی ملت افغانستان را در بر گرفته است. فروش جگرگوشگان خردسال دختر در بدل پولی که برای خانواده تا چندی قوت لایموت فراهم نماید بصورت وسیع رایج گردیده

و مطبوعات و فضای مجازی با مناظر رقتباری از چنین حوادث مملو شده است. بیکاری و قطع معاشات و درآمد بصورت عموم به این خطرات دامن میزند.



اینک سطوری از داستان یکی از «خانه های امن» از راپوری از «بی بی سی» قبل از بازگشت دولت دوباره طالبان به قدرت:

مقدس دو سال است در خانه امن زندگی می کند. او را در اتاقش دیدم. ساکن در اتاقی که با پانزده زن دردها و سرنوشت مشترک دارند. زنان در خانه های امن با دست، پا، سر و دل شکسته از دست شوهر، بستگان شوهر و حتی برادران و پدران خودشان دارند. در مواردی با گوش، بینی و زبان بریده به این خانه ها پناه می برند. برخی از این زنان با کودکان شان یکجا در خانه های امن به سر می برند.

اتاق های شان کوچک و کم نور است. در چهار اطراف آن هشت تخت دو طبقه ای گذاشته شده که با روپوش های سفید پوشانده شده اند. هر کدام، الماری های مخصوص دارند اما وسایل اندکی که در آن بگذارند. بامقدس روی دوشکی نشسته و صحبت می کنم، در عین حال، دختر جوانی روی تختش نشسته و قرآن می خواند و یکی دیگر که از همه کوچکتر است با گیتارش کنار پنجره نشسته بود و شعری را زمزمه می کند: از همه در روی جهان دلم گرفته، آه دل من.

مقدس نیز می گوید که جایی جز اینجا برای رفتن نداشت. او می گوید: اگر به خانه پدرم می رفتم مرا دوباره به خانه پسر مامایم می فرستادند مجبور می شدم آن ظلم را تحمل کنم. او با مشورت پدرش به اینجا آمده، پدرش به او گفته که به پلیس مراجعه کند و آنان نجاتش خواهند داد.

به گفته او این تنها خودش نیست که مورد خشونت برادرانش قرار گرفته است. به چشم خود شاهد ضرب و شتم مادر، پدر و خواهر کوچکش نیز بوده است. چشم های مادرش تار شده و خواهر هشت ساله اش را به عروسی با یک مرد ۳۵ ساله مجبور کرده اند.

او می گوید: "یگانه کسی که توانست خودش را نجات بدهد من بودم که خودم را به اینجا رساندم. آنها از خشونت ترسیدند و تن به همان زندگی دادند."

زندگی پر ماجرای مقدس نمونه ای از زندگی هزاران زن افغان است که در بیشتر موارد، خانه و خانواده خودشان بلای جان شان می شود. مجبور هستند به عنوان آخرین گزینه به خانه های امن پناه ببرند و پنهانی زندگی کنند.

فرار زنان از خانه در افغانستان یک مسئله حیثیتی است که اغلب با پیامدهای ناگواری چون ضرب و شتم، زندان خانگی و حتا مرگ قربانیان می انجامد. در بیشتر موارد، اگر این زنان دوباره به چنگ خانواده ها افتند، ناچارند که دوباره به مشکلات تن دهند. خانه های امن پس از سقوط رژیم طالبان به عنوان پناهگاهی برای زنان قربانی خشونت های خانگی تحت نظارت وزارت امور زنان افغانستان ایجاد شد. در حال حاضر شماری از خانه های امن در سراسر افغانستان فعالیت دارند.

شهرزاد اکبر، رئیس کمیسیون حقوق بشر افغانستان به بی بی سی گفت که خانه های امن یکی از راهکارهای مهم برای حفاظت از زنان قربانی خشونت ها است و در ولایت هایی که خانه های امن وجود ندارد، مجبور می شوند زنان قربانی خشونت را تا ختم دوره قضایی شان به خانه بزرگان محلی ببرند و آنجا هم از امنیت جسمی و روحی آنها مطمئن نیستند.

در سطور آخر، مختصری از اوضاع دختران و زنانی که در «خانه های امن» به دلایل مختلفه پناه گرفته اند و حال با تغییر اوضاع گفته میشود که با جنجال هایی روبروگشته اند به ارتباط راپوری از سایت «بی بی سی» بعد از قدرتمندی طالبان می پردازیم.

سرنوشت خانه های امن زنان پس از تسلط طالبان بر افغانستان:

در جامعه عمیقاً محافظه کار و قبیله یی افغانستان، زنان چه تحت حاکمیت طالبان و یا سایر حکومتات، اکثراً با سنت های کهن روبرو بوده و منحیت عزت و ناموس خانواده پنداشته می شوند. بر اساس قانون جزای افغانستان روابط نامشروع و فرار از خانه جرم محسوب نمی شود، اما صدها زن به دلیل ارتکاب چنین جرایم زندانی شده اند. حتا بعضاً انتخاب همسر دلخواه می تواند به سادگی به مرگ زنان و دختران بیانجامد.

طالبان پس از مسلط شدن بر افغانستان، دروازه‌های زندان‌ها را باز کرده و تمام مردان و زنان زندانی را رها کردند، اما زنانی که در اماکنی موسوم به خانه‌های امن بسر می‌بردند، آزاد نشده و حالا به زندان‌ها انتقال داده شده‌اند.

عبدالله، مسوول یکی از زندان‌های حکومت طالبان می‌گوید که وقتی در ۱۵ ماه اگست طالبان وارد کابل شدند، هزاران مرد و ۷۶۰ زن را به همراه کودکان‌شان از زندان‌ها آزاد کردند. او همچنان افزود که نزدیک به دو صد زن آزاد شده وابسته به گروه داعش بوده یا با اعضای آن ازدواج کرده بودند. افزون برآن، طالبان شماری از زنان را به تازگی به اتهام جرایم اخلاقی بازداشت و اکثر شان را به زندان پلچرخ منتقل کرده‌اند.

مژده که فقط پانزده روز پیش در زندان صاحب فرزند دختر شد به خبرگزاری اسوشیتدپرس گفت که در جستجوی آزادی خود بود اما او و دوست پسرش که در همین زندان نگهداری می‌شود، توسط طالبان دستگیر شدند.

مژده می‌گوید که خانواده اش اجازه ازدواج با دوست پسرش را نداد و در عوض او را با یکی از اقارب شان مجبور به ازدواج کردند. او می‌گوید که در پی این تصمیم اجباری خانواده، از خانه فرار کرد و به دوست پسرش پیوست. پس از آن خانواده او به طالبان شکایت کرد و هردو در کابل توقیف شدند. شماری از زنان که حالا در زندان هستند، قبل از تسلط طالبان بر افغانستان در خانه‌های امن زندگی می‌کردند، زیرا از وحشت‌های گوناگون و خشونت خانوادگی فرار کرده بودند.

در جامعه مردسالار افغانستان همیشه به این خانه‌های امن با دید شک و تردید دیده می‌شد و یک ماه پیش وقتی طالبان بر این کشور مسلط شدند، بسیاری از این خانه‌های امن بسته شدند.

طالبان در یکی از خانه‌های امن که از سوی هیچ نهادی حمایت نمی‌شود به زنان گفته‌اند که اگر نمی‌خواهند به خانه‌های خود برگردند، می‌توانند در یک زندان در کابل زندگی کنند.

یکی از بانوان زندانی که نمی‌خواست در مقابل کمره صحبت کند به اسوشیتدپرس گفت که بدون پول و مسکن، بودن در زندان به عوض زندگی با همسر معتاد و خشن‌اش، گزینه بهتریست.

پایان